

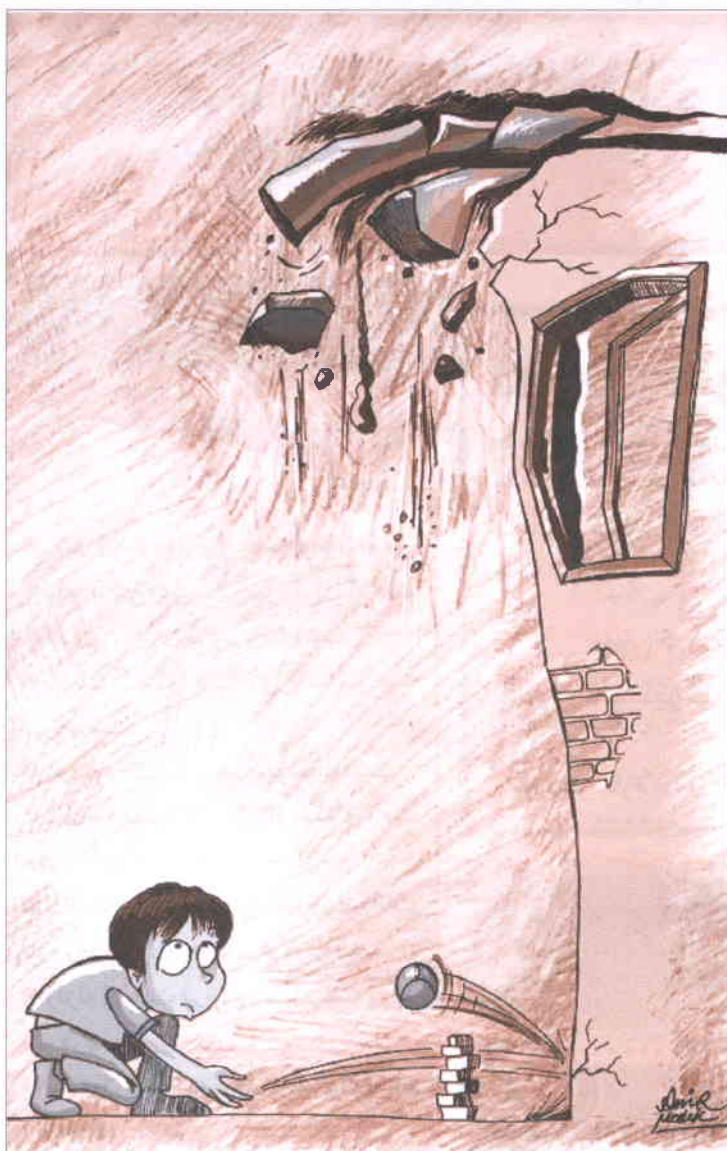
# نیاز طنزها



شهرداری اصفهان  
کمیته فرهنگ، شهروندی

نیازمندی های طنز شهروندی  
آبان و آذر ماه ۹۰  
این شماره: بافت فرسوده

این نیازمندی ها، طنز است و ما نیازمند طنز



۱۲۵

برای خاموش کردن  
آتش در میان  
بافت فرسوده،  
چه کنیم؟



۱۲۵ که هیچ ۱۲۵۰۰ را هم که  
شماره گیری بفرمایید باز هم  
کاری از دست کسی بر نمی آید.  
پس آرامش خود را حفظ نموده و  
از زیبایی و حرارت شعله های آتش  
لذت ببرید و سعی کنید به خود و  
اطرافیان خود خوش بگذرد.

WWW.125500KHTH.COM

**ظفر**

وای کوچه تنگه بله!  
دوماد زرنگه بله!  
دست به دیوار نزنید  
که خاک و سنگه بله!  
( داماد خوشی زده زیر دل )

**ظفر**

دوش بامن گفت پنهان کاردانی تیزهوش  
تونل وحشت به از این خانه ویران توست

**ظفر**

مرا امید به وام تو زنده می دارد  
وگر نه ترسم از این سقف و مرگ  
و روز هلاک

تو فکر یک سقفم  
یک سقف بی روزن  
یک سقف پابرجا  
محکم تر از آهن

آخرین نوشته ی یکی  
از ساکنان بافت فرسوده قبل از زلزله

# معشوقه حاج ناصر!



بسوزه پدر عشق و عاشقی که هر چی می کشیم از عاشق پیشگی می کشیم! حاج ناصر هم یکی از اون آدمای عاشق پیشه است که زندگی اش رو گذاشته در راه عشق.

البته معشوقه ی حاج ناصر یکم سنش زیاده، چیزی در حدود ۶۰ سال! حاج ناصر شیفته ی خونه ی ۶۰ سالشه که از پدرش بش ارث رسیده. خونه ای که حاج ناصر توش بدنیا اومده و بزرگ شده و ازدواج کرده و حالا خودش آقای خونه شده و روز به روز عشق و علاقه اش به این خونه زیادتر شده. همه آشناهای حاج ناصر می دونند که راست ترین قسم حاج ناصر قسم به خشتای خونه ی کلنگیته و هر قسم دیگه ای جز قسم به خشتای خونه کلنگی مسلما دروغ محضه! گرچه خونه ی کلنگی حاج ناصر خیلی با

## تخریب منازل فرسوده

ما منازل شما را در یک چشم به هم زدن با خاک یکسان می کنیم.

ما حتی یک آبر از ساختمانتون را سالم نمی گذاریم. ما به سرعت باد شما را خانه خراب می کنیم.

**بدون خطر جانی برای ساکنین**

وام ۲۰ میلیونی برای تخریب هر واحد

خواننده تازه نقر - خوش صدا و با استعداد

ای نشسته تو در این خانه ی پدرز و ترک

برو یک وام بگیر و الکی ناز مکن



ای که از کوچه معشوقه ما می گذری  
در شکستم که چگونه به شفا می گذری؟!  
کوچه شان تنگ تراز گردنه ی کوزه ماست  
تو به این هیکل گوریل، کجا می گذری؟!  
بافت فرسوده چنان ست در آن کوچه که اه

گویباز گذر تنگ بلا می گذری

دست گیر بتن دیوار گذاری، ناگه

خاک برسربشوی، جان به فدا می گذری

زیراواربمانی و کسی نشنودت

دست هاخونی وز خمی سروپامی گذری

انچه بایدبه توهشداردهم را گفتم

ای که از کوچه معشوقه ما می گذری!

## گلکاری یکلماتور

● بافت فرسوده از پای بست ویران است.

● فروریختن، دست فرسودگی را گرفت.

● کلنگی، ویران فرونریخته است.

● بافت فرسوده به روز نیست، به دیروز است.

● تاروپود بافت فرسوده، پوسیده است.

● شور و شوق زندگی، از تنگنای بافت فرسوده سر می رود.

● تنگنای بافت فرسوده، ورود امکانات تازه زندگی را اکیدا ممنوع کرده اند.

● زلزله از بافت فرسوده، با دست پر بر می گردد.

● ستون های فرسوده، ستون پنجم زلزله اند.

● خانه کلنگی، در مقدم زلزله به خاک می افتد.

● بافت فرسوده، ستاد عدم پیشگیری از حوادث غیر مترقبه است.

● نمره بافت فرسوده در زلزله صفر ریشتری، صفر شد.



دوش دیدم که نوشتند

بر کوچه یار

به سراغ من اگر می آید

نرم و آهسته قدم بردارید

مبادا که ترک بردارد طاق و دیوار و

در منزل من!



صفاست و تک تک آجرانش با حاج ناصر حرف می زند اما زندگی تو این خونه به قدری سخته که تمام خانواده ی حاج ناصر رو به عذاب آورده تا حدی که چند سال پیش بتول خانم، همسر حاج ناصر، اتمام حجت کرد که حاج ناصر باید بین زنش و خونه اش یکی رو انتخاب کنه که البته مشخص بود که حاج ناصر خونه اش رو انتخاب می کنه و بنابراین بتول خانم هم رفت و از دادگاه تقاضای طلاق کرد

## شرکت بافت شکافت

شکافتن بافت فرسوده و بافتن مجدد آن در تخصص ماست  
گروه بافت شکافت نوین ساخت فردا  
[www.BeshkafBaft.com](http://www.BeshkafBaft.com)



لرزان شده است این تن فرسوده  
تخریب شود به که شود افزوده  
ترسم که بریزد و دهن باز کند  
سقفی که درون آن گرفته دوده

## شعر نونو!

گفته باشم  
به سراغ من اگر می آید  
اولا خوب و بدانید که این خانه ی فرسوده ی ما  
ته آن کوچه تنگ  
شده ویران و خرابه همه جاش!  
پس اگر باز سراغ من اگر می آید!  
جان آن مادرتون  
نرم و آهسته بیاید  
مبادا که ترک بردارد  
در و این پیکر و ایوان و کف و طاقچه و هر چه  
که هست

در خرابات مغان گر گذرم افتد باز  
وام می گیرم و آنجا ز نو من می سازم!



برخیز و برو خراب و ویرانش کن  
وامش بستان و خرج سیمانش کن  
ویرانه چرا بماند این خانه به جای؟  
آبادش کن، بساز و مامانش کن



بیا تا خانه ای از نو بسازیم  
بر این منزلگه ویرانه تازیم  
خداییش تا به کی خاک و خل و گچ؟  
به این اوضاع تا کی ما بنازیم؟

## بام به بام

امداد رسانی به روش پشت  
بام به پشت بام تا سر محله

جهت انتقال بیماران اورژانسی  
از خانه تا آمبولانس ایستاده  
سرکوجه از ما کمک بخواهید

توسط تیم مجرب و ورزیده ی  
دوره دیده در رشته های: دو و  
میدانی، صخره نوردی، دیوار  
نوردی، بند بازی و آکروبات.



[www.BamBeBamNefleh.com](http://www.BamBeBamNefleh.com)



اما خوشبختانه مأمور ابلاغ دادگستری که می خواست برگی احضاریه رو به حاج ناصر ابلاغ کنه، از همه جا بی خبر چند تا مشت محکم کوبید به در خونه ی کلنگی. کوبیدن همانا و سقوط ۳ عدد آجر متوالی از دیوار بالای در بر سر مأمور ابلاغ همانا! خلاصه ضربه مغزی شدن مأمور ابلاغ سبب خیر شد و بتول خانم از طلاق گرفتن منصرف شد. البته ازون به بعد حاج ناصر روی در خونه نوشت: «خطر دو نیم شدن مخ بدلیل سقوط آجر! لطفاً آهسته در بزید!»

اما مشکلات خونه ی حاج ناصر یکی دو تا نیست و انواع و اقسام داره مثلاً آگه یه میخ به دیوار اتاق پذیرایی بکوبی آنتن تلویزیون روی پشت بوم از جا در میاد؛ آگه سیفون توالت طبقه دوم رو بکشی سقف توالت طبقه همکف میاد پایین؛ آگه دوش حموم بیشتر از چند دقیقه باز باشه راه آب

کمیته فرهنگ شهروندی شهرداری اصفهان

نیازمندیها

این شماره بافت فرسوده

نیازمندی های طنز شهر وندی

## رادیو پیام

باران همیشه روی سر دیوار  
کاهگلی خراب می شود.



هر قسمت آسمان پر از دوده شده  
بر ارزش تخم مرغ افزوده شده  
این خانه مستاجری کهنه ما  
نامش به یقین بافت فرسوده شده

خاکروبه که بس ریخته از دیوارم  
دلتنگم واز بودن آن بیزارم

## اطلاعیه

نظر به اینکه در جامعه ی امروزی همسایه ها با یکدیگر قهر نمی نمایند چون اصولاً با هم آشنا نمی شوند که بخوانند دوست شوند و سپس دعوا نموده و قهر بنمایند، لذا وجود کوچه های باریکی با عناوین قهر و آشتی غیر ضروری و زاید می باشد و تخریب آنها در دستور کار قرار می گیرد.

[www.SadPoshtGharibeh.com](http://www.SadPoshtGharibeh.com)



بچه های زیر ۶ سال  
ساکن بافت فرسوده

## آیا می دانید؟؟؟

یکی از عوامل موثر در ازدواج همین کوچه های تنگ و فرسوده اند؟! آنجا که فرموده اند: «کوچه تنگه بله عروس قشنگه بله!» با احیای بافت فرسوده از ترشیدن جوانان خود جلوگیری نماییم! «پرفسور زعفر و نجاجی مجردیان»

[www.shahrvandi.net](http://www.shahrvandi.net)

دبیرخانه کمیته فرهنگ شهروندی: ۰۴۴۸۴۶۹۶. پیامک: ۳۰۰۰۸۳۱۳



شهرداری اصفهان  
کمیته فرهنگ شهروندی

نیازمندی های طنز شهروندی کمیته فرهنگ شهروندی شهرداری اصفهان  
تولید شده در دفتر طنز و خانه کاریکاتور حوزه هنری استان اصفهان  
(بر اساس طرحی از شورای کارشناسی دفتر طنز)

مدیر طرح: مهدی بقایی / سردبیر: پیام پورفلاح / کارشناس شهروندی: مسعود مهدویان فر

شورای تحریریه: سید امین تویسرکانی، زهرا دری، محمود سلطانی، حامد بذرافکن طراح گرافیک: محمدعلی خوشکام  
همکاران این شماره: عباس گلکار، امیر مالک صالحی، وحید شریفی، مجتبی حیدرپناه، ناهید زمانی، محمودرضا صنعتی، محمدرضا ایزدی،  
سید علی آکوچکیان، غلامرضا کریمیان، سحر محمدیان

آشپزخونه می گیره؛ اگه باغچه های حیاط رو آب بدی زیر زمین به استخر تغییر کاربری می ده؛ اگه مراسم لهو و لعب در خونه به پا باشه چهار ستونه خونه هم به وجد میاد و میرقصه؛ زمستون که بارون میاد باید تمامی ظرف و ظروف جهاز بتول خانم حتی گلدون مرغیا و آجیل خوریا رو در اقصاء نقاط خونه جاسازی کرد تا قطره های آب که از سقف می چکه فرش رو خیس نکنه؛ روی کف شور آشپزخونه که باید به تابلو زد: «ورود ممنوع، سوسک ها مشغول کارند»؛ محسن پسر حاج ناصر که اسمش تو کتاب گینس ثبت شده چون تا حالا ۴۳ بار لوله بخاری اتاقتش گرفته و شش هاش مثل دو تا بادکنک پر از منواکسید کربن شدن! البته هر دفعه محسن به شکل معجزه آسایی از مرگ حتمی نجات پیدا کرده و دکترای می گن بنابر نظریه داروین نسل های بعدی محسن بجای اکسیژن، منواکسید کربن تنفس می کنند!

خلاصه زندگی کردن توی این خونه هزار و یک مشکل داره که تقریباً برای تمام این مشکلات راه حلی پیش بینی شده. بچه های حاج ناصر یاد گرفتند که توی این خونه نباید بالا پایین بپرند و داد بیداد کنند چون احتمالاً براحتی آب خوردن می میرند! بتول خانم یاد گرفته بجای مهمونی های زنونه ی آنجانی و استفاده از در قابلمه و سطل ماست و ... در مهمونیای زنونه به مراسم غیبت کردن اکتفا کنه! حاج ناصر هم خودش متخصص کمک های اولیه شده و کاملاً می دونه موقع خفگی، شکستگی، ضربه مغزی، حبس شدن در حمام و ... چه واکنشی باید نشون بده. تنها چیزی که در خونه حاج ناصر هنوز واقعا غیرقابل تحمله و مخصوصاً خود حاج ناصر هم دیگه نمی تونه تحملش کنه قضیه تواله رفتنه! سر و صدا و فشار و نیروی دستشویی رفتن و قضای حاجت چیزی نیست که بشه حلش کرد و هنوز هیچ صدا خفه کنی برای اصواتی که در تواله تولید می شه اختراع نشده و هیچ دستشویی ای آکوستیک نیست! بنابر این هر بار که کسی (مخصوصاً خود حاج ناصر) دستشویی می ره، در خونه حالت فوق العاده اعلام می شه! حضور حداقل ۳ نفر بجز فردی که به دستشویی می ره برای کاهش آثار تخریب و خسارت ناشی از اصوات تولید شده هنگام قضای حاجت الزامیه. به این ترتیب مثلاً اگه حاج ناصر بره دستشویی، محسن با یک دستش اتصالات گاز رو می گیره و با دست



۴۸-۹۸۹۳۶۶۶۶ اولین باره که سوار اتوبوس واحد میشم اونم چون وضع اقتصادی یهو به هم ریخت ولی همه ی بد بختیامو واسه چند دقیقه ی مطالعه ی نیاز طنزها فراموش کردم  
مرسی

**طنز** اتفاقاً ما هم چون وضع اقتصادیمون از اول خراب بود رفتیم سراغ نیاز طنزها!

۳۳-۹۸۹۳۶۵۳۲ نیاز طنزها خیلی حرکت قشنگ و سازنده ایه. امیدوارم همچنان ادامه داشته باشه

۵۲-۹۸۹۱۳۲۰۲ نیاز طنزها خیلی خیلی یخه. این هیئت تحریریه را از کجا گیر آوردین؟!

**طنز** حالا مثلاً شما تو این سرمای زمستون خیلی داغی؟

۳۰-۹۸۹۱۳۳۱۷ نیاز طنزها به کار نو و جدیدی است در جهت ارتقای معلومات افراد جامعه ولی برخلاف اسمش هیچ نکته طنز و خنده داری که لبخند بر لبان خواننده بنشاناند ندارد. پس سعی کنید با تلاش بهتر دلبستگی مردم را بهش بیشتر کنید تا بتوانید در قالب طنز حرف دلان را بزنید. متشکرم

۶۸-۹۸۹۱۰۳۱۴ طریقه ثبت نام در نیاز طنزها چگونه است

**طنز** خوب معلومه، از طریق نمایندگی های مجاز (ثبت ناممون کجا بوده!!!)

۸۲-۹۸۹۳۹۵۳۲ سلام، عیول! شهر و نندالکترونیک/موبایل خیییییلی باحال بود ...

**طنز** ای ولی! انگار تو هم خیلی با حالی

۳۱-۹۸۹۳۶۱۶۰ میخاستم از طرح بسیار خوبتون تشکر کنم واقعا عالیه. مخصوصاً قسمته طنزش. فقط اگه بارعلمیش بیشتر بشه و اطلاعات مفیدتری در اختیارمون بذاره بهتره

**طنز** می خورای وقتش هم بیشتر کنیم، ده صفحه هم نکته کنکوروی نوش بذاریم؟

در این شهر شلوغ و محنت آلود  
دل ما، جسم ما، افسرد و فرسود  
تن فرسوده غیر از سنگ و گل نیست  
دل افسرده هم، خاک است، دل نیست  
تن فرسوده را باید کجا برد؟  
چه باید کرد با آن دل که افسرد؟  
زمانه گر کند عاشق نوازی  
دل را می کنم من بازسازی  
خصوصاً که شنیدم شهرداری  
به دور از دنگ یا فنگ اداری  
برای بازسازی می دهد وام  
خودش در این زمینه کرده اقدام  
که مردم خانه های کهنه شان را  
بکوبند و ز نو سازند آن را  
بیا ما هم کنیم اکنون اراده  
از این فرصت نمایم استفاده  
به جای حفظ و نوسازی منزل  
بپردازیم بر نوسازی دل  
چو اینجوری شده اوضاع، ما هم  
کنیم اقدام، ضد غصه و غم  
اگر حتی شده با بیل و فرغون  
بریزیم از دل خود، غصه بیرون  
کنیم امحا، تمام کینه ها را  
کنیم از نو مصفا، سینه ها را  
کنیم آنگه بدون زور و تطمع  
دل خود با دل دلدار جمع  
که هر دو، یکدل و هم خانه باشیم  
یکی شمع و یکی، پروانه باشیم  
اگر هم شهرداری، آخر کار  
شد از این ماجرا شستش خبردار  
ز مأموران او پروانداریم  
برای این که ما پروانه داریم



دیگش گج کاربهای طاقچه رو، با دندنانش هم آینه شمعدون روی طاقچه رو گاز می گیره، بتول خانم ویتترین عزیزتر از جانش رو بغل می کنه و نگین دختر حاج ناصر هم مهمترین و سخت ترین کار یعنی دو دستی چسبیدن عکس آقاچون (پدر حاج ناصر) رو به عهده میگیره.

حاج ناصر همیشه قبل از دستشویی رفتن کلی به نگین سفارش عکس آقاچون رو می کنه و میگه: «چون تو و این عکس آقاچون، با ارزش ترین چیزی که من تو زندگیام دارم عکس آقامه».

مواقعی هم که کسی بخواد توی خونه حاج ناصر بره دستشویی و عوامل کافی (۳ نفر) برای جلوگیری از بروز حادثه در خونه حاضر نباشند،

اشرف خانم، زن همسایه، رو خبر می کنند تا بیاد و یه گوشه کار رو بگیره. خلاصه وقتی که تمامی موارد ایمنی رعایت شد و تمامی افراد در محل انجام وظیفه ی خودشون مستقر شدند و به ترتیب آمادگی خودشون رو برای اجرای عملیات اعلام کردند، فردی که توی توالت رفته با هماهنگی قبلی و احتیاط کامل و با شمارش معکوس کار خودش رو شروع میکنه: ده، نه، هشت، هفت، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک، ...!

## کاریکاتور فرسوده



خـرم آن روز کزین منزل ویران بروم  
وام مسکن بستانم پی سیمان بروم  
گرچه دانم که چه صعب است ره خانه نو  
من به شوق محلی خوب، شتابان بروم

قرنی ست به حال خویش ویران شده ام  
دل خسته و کهنه و پریشان شده ام  
تخریب کنند اگر تن فرسوده  
خوشحال شوم چون که هراسان شده ام

از هر طرف که رفتم  
گفتند هست بن بست  
هر طنز تازه گفتم  
گفتند بهترش هست

## دیگر نگران زیر آوار ماندن نباشید

بیمه عمر برای عابران کوفه های قدیمی  
تامین آتیه ی فرزندان با این روش  
تضمینی است.

[www.RoohtShad.com](http://www.RoohtShad.com)

افسوس که دوره جوانی طی شد  
این شاه نشین و هشتی ما دی شد  
افسوس که طاق و چشمه ام فرسودست  
یک قرن ندانم که کی آمد کی شد!

به چند فانه کلنگی جهت تجمیع با  
فونه ی مادر بزرگه مرموم نیازمدیم.  
ورثه ی مادر بزرگه